

## با کودکانی که دروغ می گویند چه کنیم؟

یک روانشناس کودک تأکید داشت دروغگویی در کودکان بیش از آنکه دروغ باشد خیال پردازی و رؤیایپردازی است.



یک روانشناس کودک تأکید داشت دروغگویی در کودکان بیش از آنکه دروغ باشد خیال پردازی و رؤیایپردازی است.

دکتر الهام شیرازی فوق تخصص روانپزشکی کودکان در گفتگو با خبرنگار کلینیک گروه علمی پزشکی باشگاه خبرنگاران جوان گفت؛ دروغگویی در کودکان را از چند وجه مختلف باید مورد بررسی قرار داد. یکی از جنبه های مورد بررسی در دروغگویی یک کودک سن کودک و دیگری آن همه حرف های که یک کودک به زبان می آورد و خلاف واقعیت است را نمی توان دروغ در نظر گرفت.

باید دانست کودکان تا حدود نیمه دبستان ممکن است فرق بین دروغ، خواب و رؤیا های کودکانه خود، یا آرزوهای خود را ندانند و حتی بپندارند که آنچه که در خواب و رویای آنها رخ داده در واقعیت اتفاق افتاده است و یا آرزوها و فانتزی های کودکانه ای که از ذهنش می گذرد را واقعیت در نظر بگیرند. کودکان تفاوت بین رویا، آرزو، تخیل و واقعیت را با بزرگتر شدن درک می کنند و انتظار می رود که در نوجوانی تفاوت بین این ها کامل آشکار شده باشد.

وی ادامه داد: کودکان اغلب سعی کنند تا پدر و مادر و بزرگترها را از خود راضی نگه دارند و برای آن که پدر و مادر را از خود ناراحت نکنند زمانی که کاری را به اشتباه مرتکب می شود برای خوشحال نگه داشتن بزرگتر خود خلاف واقع صحبت می کنند و یا حتی کار خوبی را که انجام نداده اند بیان می کنند که این کار را انجام نداده اند تا موجب خوشحالی بزرگتر خود شوند و اینگونه خود کودک با خوشحالی پدر و مادر خود احساس رضایت و خوشحالی نماید.

وی بیان داشت: از دیگر مواردی که خلاف واقعیت صحبت می کنند آن است که:

کودکان تمایل دارند که کامل و بی نقص باشند و فکر می کنند که نباید اشتباهات و خطاهای آن ها آشکار شود و یا حتی بیان این مسئله که یک کار خوب را انجام داده اند در صورتیکه آن را انجام نداده اند موجب می شد که کامل و بی عیب باشند و به همین سبب کلامی خلاف واقع بیان می کنند.

وی ادامه داد: گاهی کودکان به خاطر تخیلات های خود دوست دارند که داستان سرایی کنند ولو آنکه می دانند این داستان و ماجرا با واقعیت فاصله دارد و هنگامی که کودک در حال داستان سرایی و ماجراگویی خلاف واقعیت است پدر و مادر تصور کنند که فرزندشان در حال دروغگویی است این در حالی است که کودک به دلیل آن که می پندارد که اگر در ابتدا بیان کند که من می خواهم برای شما داستانی را تعریف کنم و یا ماجرابی را نقش بازی کنم مورد توجه بزرگترها قرار نمی گیرد به همین دلیل این داستان سرایی ناشی از ذهن خود را همچون واقعیت برای دیگران تعریف می کند گاهی نیز سن کودک و درک او به قدری نیست که بداند و بتواند اینگونه بیان کند که من می خواهم برای شما داستان تعریف کنم و هر آنچه از ذهن خود را می گذرد همچون واقعیت بازگو می کند.

شیرازی افزود: گاهی نیز کودکان برای سرگرم کردن و مورد توجه قرار گرفتن و بازگو کردن یک مسئله خنده دار تا موجب شادی دیگران گردند چیزهایی را به عنوان واقعیت بیان می کنند و فکر می کنند اگر در ابتدا بازگو کنند که کمی به من توجه کنید تا شما را بخندانم و سرگرم کنم دیگر کسی آن ها را جدی نمی گیرد و به آن ها گوش نمی دهد و یا می گوید وقت ندارم یا شرایطش نیست به همین دلیل نمی توان تمامی حرفه های یک کودک را دروغ پنداشت.

وی در خصوص آنکه چه حرف هایی از جانب یک کودک دروغ در نظر گرفته می شود گفت:

وقتی کودک کار بدی را انجام داده باشد و انکار کند که این کار را انجام داده و یا کار خوب و یا وظیفه ای را قرار بوده انجام بدهد انجام نداده و می گوید که آن کار را انجام داده است در این حال است که عمداً خلاف واقع صحبت می کند که با گفتن دروغ یا می خواهد از جریمه اشتباهی که مرتکب شده فرار کند و یا با گفتن انجام کار کیفی که انجام نداده به دنبال پاداش آن کار نیکوست.

وی تصریح کرد: تمامی موارد را نمی توان به یک صورت پاسخ داد و عکس العمل والدین در برابر حرف های خلاف واقع ناشی از تخیل، آرزو، داستان سرایی و دروغ های واقعی کودک نباید یکسان باشد و در هر موضوع باید با روشن کردن چگونگی درست بیان کردن حرف ها از طرف کودک به او یاد داد که چگونه بتواند همیشه صادق باشد.

وی در خصوص راه کارهایی برای آن که کودک حرف هایی خلاف واقع بیان نکند گفت: در زمانیکه کودک برای خوشحال کردن پدر و مادر خود کلامی خلاف حقیقت بازگو می کند.

در این زمان باید به کودک گفت که ممنون از آن که دوست داری من ناراحت شوم اما اگر من حقیقت را بدون این اشتباه پیش آمده برای تو را با کمک هم سعی می کنیم حل کنیم اما اگر بعداً می فهمیدم که تو به من حقیقت را نگفتی بیش تر ناراحت می شدم و با شنیدن واقعیت بیش تر خوشحال می شوم.

شیرازی ادامه داد: در حالتی که کودک دوست دارد کودکی کامل و بی عیب به نظر برسد و به همین سبب حقیقت را بازگو نمی کند در این حالت باید به کودک گفت: خیلی خوب و عالی است که تو دوست داری همه چیز کامل و بی عیب و نقص باشد اما به هر حال برای همه ممکن است اشتباهاتی اتفاق بیافتد اگر اشتباهات خود را به پدر و مادرت بگویی از خوبی های تو چیزی کم نمی کند اما با گفتن اشتباهات می توانیم آن ها را جبران کنیم و جلوی آسیب ها را بگیریم و تازه اگر اشتباهات خود را بیان کنی بی نقص تر و کامل تر به نظر می آیی و مهم آن است که حقیقت را بگویی.

وی افزود: آن هنگام که کودک آرزوهای خود همچون واقعیت بیان می کند به عنوان مثال بیان می کند که ما خانه ای آنچنانی داریم. ماشینی که داریم این ویژگی ها را دارد یا حتی ما هواپیما داریم و من در کنار خلبان هواپیما بوم و خلبانی کردم عکس العمل والدین در این مورد اینگونه باید باشد که به فرزند خود بگویند این مسئله که دوست داری بهترین ها را داشته باشی و استعدادهای زیادی داشته باشی خیلی خوب است و نباید به کودک بگویم تو چرا دروغ می گویی بلکه بگویم تو دوست داری خلبان بشوی و یا مثلاً از کودکی که می پرسیم تو در خانه به مادر خود کمک می کنی به محض پرسیدن کودک می گوید من به مادرم کمک می کنم حتی اگر کمک کند در این حالت باید گفت: تو دوست داری به مادرت کمک کنی نه به او می گوییم که نه تو دروغ می گویی و کمک نمی کنی و نه به او می گوییم که ما باور می کنیم که تو به مادرت کمک می کنی درحالیکه کمک نمی کند.

از کودکی که از تاریکی می ترسد می پرسیم که از تاریکی می ترسی می گوید نه در این حال باید گفت: پس تو دوست داری از تاریکی نترسی و ما به تو کمک می کنیم که این توانایی را بدست بیاوری و از تاریکی نترسی.

وی در خصوص زمانی که کودک تمایل به سرگرم کردن دیگران دارد و در این زمان خلاف واقعیت سخن می گوید گفت: در این زمان با توجه کردن به کودک و شاد شدن و نشان دادن آن که در زمانی که واقعیت را بیان می کند و یا در زمانی که خلاف واقعیت را برای سرگرم کردن بیان می کند به کودک بگویم که چقدر خوب که می توانی دیگران را سرگرم کنی اما بهتر است که از اول بگویی من می خواهم حرفهایی را بگویم که فقط موجب سرگرمی و خنده است و زمانی که کودک اینگونه موضوعی را بیان کرد به او نگویم که الان وقت یا حوصله اش را نداریم بلکه با توجه کردن به او و سرگرم نشان دادن خود از اینکه بخواهد با خلاف حقیقت و واقعی نشان یک مسأله توجه ما را جلب کند پیشگیری کنیم پس عملکرد کودکان به واکنش بزرگترها نیز برمی گردد.

وی ادامه داد: در آن هنگام که کودک شروع به داستان سرایی می کند به کودک بگویم آفرین بر تو که چقدر استعداد نویسندگی، نمایش نامه نویسی و تئاتر داریم اما این ها همه داستانی است. بیا این داستان ها را بنویسیم و به این داستان ها توجه کنیم در این حال دیگر کودک در موارد دیگر نمی گوید که این داستان واقعیت است حال که داستانی به این جالبی از ذهن تو گذشته، ما این داستان را با هم می نویسیم و حتی با هم بازی می کنیم و حتی با این کار می توان کارهایی را که کودک تجربه نکرده را در قالب این داستان تجربه کند و حتی می توان کتابچه ای از داستان های کودک جمع آوری کرد و هر دفعه این استعداد را با اضافه کردن داستانی به آن یادآور می شویم.

وی تشریح کرد: گاهی کودکان خواب های خود را به عنوان واقعیت بازگو می کنند.

به او بگویم اینها خواب های تو هستند گاهی خواب ها به قدری واضح هستند که به نظر واقعی می رسند با توجه به کودک و اینکه کامل خواب خود را بازگو کند درحالیکه خواب های خود را همچون واقعیت بیان کند و خلاف واقعیت صحبت کند جلوگیری کردیم.

وی اضافه کرد: با توجه کافی به کودکان و گذاشتن وقت کافی می توان از اینکه کودک عمداً خلاف واقعیت صحبت کند پیشگیری کنیم. مگر آنکه از روی عدم آگاهی فکر کند که صحبت هایش واقعیت داشته، که در این صورت با آموزش می توان به او یاد داد که این ها در واقعیت رخ نداده هرچند که صحبت های تو مهم و با ارزش است.

شیرازی در خصوص شرایطی که کودک از روی عمد خلاف واقعیت صحبت می کند اظهار داشت: جرمه کارهای اشتباه کودک و یا دروغ گویی کودک به حدی نباید باشد که کودک از ترس جرمه عمداً دروغ بگوید و همچنین باید در ابتدا باید به یک کودک گفته شود این کار اشتباه است و نباید انتظار داشت که خود کودک بداند چه کارهایی اشتباه است و چه کارهایی درست و به گفته های خود نیز نباید اکتفا کرد بلکه از کودک بخوایم تا این مسئله را توضیح دهد.

گاهی یک موضوع را به کودک توضیح می دهیم اما کودک متوجه موضوع نمی شود و پس از آنکه یک مسئله اشتباه را به کودک توضیح دادیم چندین بار در مدت زمان متفاوت دوباره موضوع را تکرار کنیم تا از یاد و خاطره کودک بیرون نرود و همچنین جرمه باید معقول باشد و بهترین جرمه جبران اشتباه به وجود آمده است و در نهایت یک محرومیت کوچک برای اشتباه قرار دهیم.

به عنوان مثال: دلیل توپ بازی در اتاق موجب کشتن گلدانی شده باشد در این حال باید به کودک گفت: قرار بود مثلاً به پارک، سینما برویم و یا یک چیز خاصی را برای کودک بخریم اما به دلیل جبران هزینه ی گلدان دیگر نمی توان این کارها را انجام داد و یا امروز حق دیدن تلویزیون را نداری اما نه اینکه یک هفته نمی توانی تلویزیون تماشا کنی. همچنین هنگامی که با مسئله ای مانند گلدون شکسته مواجه می شویم وقتی می دانیم که اشتباهی را کودک مرتکب شده از او نپرسیم تا او با دروغ جواب ما را بدهد و قبح این مسئله برای کودک از بین می رود دوباره این اشتباه را تکرار کند.

وی اظهار داشت: جرمه ی کار اشتباه کودک باید به آن صورت باشد که یک جرمه برای اشتباه مرتکب شده و یک جرمه برای دروغی که گفته است باشد در صورتیکه پافشاری کند که این کار را من انجام نداده ام. اما زمانی که صادقانه اشتباه خود را اعتراف می گوید با تشکر، تشویق و تحسین این که کودک حقیقت را بیان کرده، راست گویی را در کودک نهادینه کنیم.

و در انتها خاطرنشان کرد: پدر و مادر خود بهترین الگوی زندگی هستند اگر فرزندان شاهد آن باشند که به طور عمد پدر و مادر دروغ می گویند کودک ایی این رویه را پیش خواهد گرفت.

اما اگر سهواً موضوعی را بیان نکردیم و دروغی را گفتیم با توضیح دادن شرایط به کودک و آن که من سهواً این خطا را مرتکب شدم ولی بهتر بود که راستش را می گفتم و اشتباه خود را بیان ??? و کودک بیان کنیم و بگوییم بهتر بود حقیقت را می گفتم خداوند نیز مرا کمک می کرد و مشکلم حل می شد. در این حال، دیگر فرزندان و جامعه به سمت دروغ پیش نخواهند رفت.